



سفال سیلک، ۱۵۰۰ ق.م ماخذ:  
کامبخش فرد، ۷۳



# بررسی و تطبیق گرایش به انتزاع در نقوش سفالینه های ایران باستان و شیوه آپ آرت

وحید خضایی \* دکتر محسن مراثی \*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۳/۸

## چکیده

در هزاره های قبل از میلاد در ایران باستان، انسان هنرمند در خلق آثار خود با گذر از طبیعت گرایی رو به سوی انتزاع گذاشت و کوشید با بهره گیری از آن چه در محیط زندگی اش می گذرد، به نوعی بیان تصویری ساده و انتزاعی برسد. بیان انتزاعی که گویی دارای قواعد و حساسیت های خاص بصری است. یکی از الگوهای این گرایش را می توان در نقوش سفالینه های ایران باستان جست و جو کرد. مطالعه و بررسی این نقوش و سیر حرکت آن به سوی انتزاع بیانگر نقش اندیشه، اعتقادات و همچنین ارزش ها و معیارهای موجود در این آثار است. نتایج این پژوهش نشان داد که نقوش سفالینه های ایران باستان در ادامه گسترش و تحول خود به تدریج از آفرینش نقوش طبیعی فاصله می گیرد و به جای پرداختن به جزئیات طبیعت، راه تجرید را می پیماید. این تمایل به انتزاع در نقوش دارای نتایجی است که آثار بسیاری از نقاشان معاصر به ویژه هنرمندان شیوه آپ آرت را به آن ها نزدیک می کند. گرایشی که در سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تحت عنوان نقاشی بصری یا شبکه به نوعی انتزاع گرایی مبتنی بر سامان دهی اشکال هندسی با تاکید بر تاثیرات دیداری و حرکت نگاه در پهنه اثر توجه دارد. در این مقاله وجوه مشترک در گرایشات انتزاعی و همچنین تشابه موجود در نقوش سفالینه های ایران باستان و آثار آپ آرت مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق پیش رو به روش توصیفی، تحلیلی و گردآوری اطلاعات آن به روش کتابخانه ای انجام شده است.

## واژگان کلیدی

نقوش، سفالینه، ایران باستان، انتزاع، آپ آرت .

Email:vahidkhazae@gmail.com

Email:marasy@shahed.ac.ir

\*مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و شهید مقصودی همدان، شهر همدان، استان همدان

\*\*استاد یار، عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

## مقدمه

**شبکیه**<sup>۲</sup> قرار داد. این جنبش به عنوان یکی از بارزترین نمایندگان هنر هندسی و انتزاعی با تکیه بر عناصر بصری به عنوان بیانی مستقل، در دورانی شکل گرفت که به طور خاص دوره شکوفایی جنبش های جدید با اسامی تازه بود. این گرایش ها شامل بررسی های پر دامنه ای می شوند که بهترین تعریف ممکن شان در تحلیل آثار منفرد به دست می آید.

آپ آرت یا هنر بصری نوعی انتزاع گرایی مبتنی بر سامان دهی اشکال دو بعدی و سه بعدی بود که بر تاثیرات دیداری و حرکت نگاه در پهنه تابلوی نقاشی توجه داشت. آن چه که بیننده در مواجهه با چنین اثری دریافت می کرد، یا متکی بر واکنش های روانشناسانه در حرکت نگاه و فرایند دیدن بود و یا صرفاً اشیایی که در ساختمان خود، عنصر حرکت را تداعی می کردند. تضاد رنگ مایه ها در آثار این سبک، توهم حرکت را پدید آورده و از این طریق کیفیتی بصری با آمیزش دو عنصر تضاد و حرکت حاصل می آمد. (هاروارد، ۱۳۷۴، ۵۸۶)

## بررسی عوامل مشترک بین هنرمندان ایران باستان و شیوه آپ آرت

در بررسی تاریخچه هنر نقاشی و علل انگیزه های خلق آثار اولیه در بین هنرمندان باستان، باید به هزاران سال پیش و به واپسین دور های عهد پارینه سنگی رجوع کرد. جایی که نخستین نشانه های تصویری بر بدنه غارها ثبت شده است. این تصاویر زنده، با نگاه طبیعت گرایانه خود از وفاداری محض به طبیعت آغاز میشود و به شیوه ای چالاک تر و درخشان تر ارتقاء می یابد و سپس ضبط حالت ها و جنبه های پیوسته و اطوار سخت را به عهده می گیرد. شیوه طبیعت گرایانه که تا پایان دوره چند هزار ساله پارینه سنگی ادامه داشت اینک با آغاز عصر نو سنگی و دگرگونی در شیوه زندگی انسان، تحولات و تجربیات متفاوتی احساس شد.

زندگی و ساخت سر پناه در بستر رودخانه ها اندازه گیری و محاسبات طغیان آب در فواصل و فصول مختلف، تقسیم اراضی و توسعه فنون کشاورزی، ایجاد نقشه های اقتصادی در جهت پیش بینی احتمالات گوناگون، برقراری نظم و تشکیل جامعه ای با منافع، وظایف و تعهدات مشترک، باور به نیروهای برتر و قدرت های متعالی، برگزاری مناسک مذهبی، ساخت پرستشگاه ها، بت ها، طلسم ها و نمادهای مقدس، جملگی انسان عهد نوسنگی را با عناصر

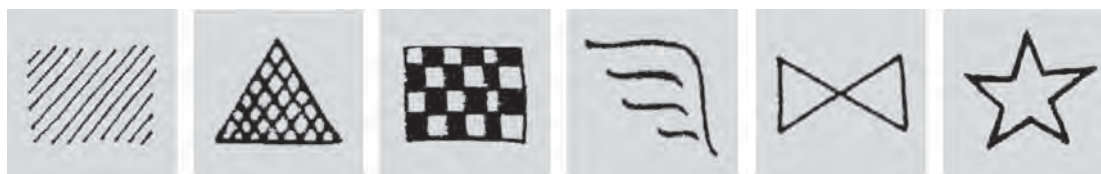
در هزاره های قبل از میلاد با آغاز عصر نوسنگی، زمانی که انسان توانست ابزارهای سنگی را به کار بندد و با فن سبده بافی آشنا شود، احتمالاً با اندود کردن بدنه خارجی سبدها و قرار دادن آن ها در آتش به طور اتفاقی به شناخت ظروف سفالی و مزایای آن دست یافت. دسترسی به چنین ابزاری، تحولی چشمگیر در امر جمع آوری و نگه داری غذا پدید آورد و انسان به مرحله جدیدی از تحول و خلاقیت قدم گذاشت. در تکوین و گسترش این تحول، نام ایران همواره به عنوان یکی از نخستین جوامع پیش رو، در گاه نگار سفالگری جهان به چشم می خورد.

نگاهی اجمالی به تاریخچه سفال نشان می دهد، تداوم و پیشرفت این هنر نزد ایرانیان پیوسته با تفکر و خلاقیت همراه بوده است. به طوری که می توان جلوه های آن را در شکل ها و نقوش متنوع سفالینه ها مشاهده کرد. بررسی این آثار، از مهارت و توانایی این هنرمندان در چگونگی ساخت، تولید و ایجاد نقش های متناسب بر روی سفال ها حکایت دارد. نقوشی که با بیانی حساس و دقیق به توصیف محیط، فرهنگ و آداب آن ها می پردازد و خواسته ها و نیازهای آن ها را بازگو می کند. در روند تحولات بعدی، گرایش و تمایلات هنرمندان به خلق مضامین جدید، صورت و شکلی دیگر به خود می گیرد. عدم وفاداری به طبیعت و توجه به ساختار و جوهر اشیاء، تحول دیگری است که در علائم و نشانه های او آشکار می شود. علائمی که برای استعانت از قوای طبیعت و صیانت از نیروهای مقتدر اهریمنی در قالب طرح ها و کنایات تصویری دارای معانی و ارزش های نمادین و اسطوره ای می گردد. (تصویر ۱)

اگر چه می توان، هدف اصلی این نقوش را بیان همین ارزش ها و مفاهیم دانست. اما در کنار این توجه، آفرینش آثاری متنوع زیبا در ترکیباتی متناسب، ما را متوجه جنبه های دیگری از این نقوش، که همانا توجه به ساختارهای بصری و زیبا شناسی اثر است، می گردانند. به طوری که می توان نمونه های آن را با آثار هنرمندان معاصر به ویژه نقاشان شیوه آپ آرت مقایسه کرد. گرایشی که به دنبال ادراکات حسی ناب، تاثیرات دیداری و ایجاد خطاهای بصری از طریق سازمان دهی اشکال انتزاعی در سطح اثر بود.

## جنبش هنری آپ آرت<sup>۱</sup>

گرایش های کم و بیش مرتبط در نقاشی سال های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ را می توان زیر عنوان **نقاشی بصری** یا



تصویر ۱- نمادهای آسمان و زمین در نقوش سفالینه های ایران باستان، ماخذ: عبداللهیان، ۱۳۷۷، ۴۷

یافته و جوهر هدف کازمیر مالویچ برای آن چه خود تفوق ادراک حسی ناب در هنر نامیده تعریف کرد». (گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۵)

از طرفی دیگر با مرور آثار و بر اندیشه های برخی از هنرمندان آپ آرت، بانیت و عملکردی مشابه آن چه در نقوش سفالینه های ایران باستان رخ داده مواجه می شویم به طوری که برجیت رایلی<sup>۳</sup> یکی از چهره های برجسته این جنبش، عناصر تشکیل دهنده آثارش را به عنوان بخشی از طبیعت به کار می گیرد و در صدد ارائه نیروهای طبیعی همچون سیل، رودخانه و کوه ها بر می آید که البته این تاثیر بدون تاکید بر منظره سازی و در قالب اشکال ناب مشتق شده از جوهر طبیعت صورت می پذیرد. مشابه همین برداشت را می توان در آثار اولیه ویکتور وازارلی<sup>۴</sup> یکی از بنیان گذاران شیوه آپ آرت در ارائه سوژه هایی چون ببراها و گورخر ها که زمینه ای برای ارائه طرح های راه راه و انتزاعی او بودند، مشاهده کرد. بررسی تصاویر موجود بر روی در سفالینه های باستان نشان می دهد هنرمندان این آثار در کنار انتقال مفاهیم و ترسیم نقوش نمادین به درک ویژه ای از جهت احاطه بر تجسم و ترکیب عناصر بصری نائل آمده اند. به طوری که در بسیاری از نمونه ها، هنرمند سفالگر با خطوط و اشکال ساده، علاوه بر ارضای غرایز خود در تبلیغ هنر و انعکاس زیبایی گام برداشته است.

به کارگیری طرح های هندسی شامل، خطوط شکسته، خطوط موازی و موج دار، مثلث، مربع و دایره ها با ریتمی هماهنگ و موزون نشان می دهد که هنرمند ایران باستان با کیفیت عناصر بصری از جمله وزن، کشش، ریتم و نیروهای آن ها آشنایی کامل دارد و آن را در جهت برقراری تعادل، متناسب با شکل و حجم سفال به کار می بندد. توجه به معیارهای زیبا شناسی و سازمان دهی آن در نقوش سفالینه های ایران باستان به چنان توفیقی می رسد که آرتور آپهام پوپ<sup>۵</sup> در کتاب خود شاهکار های هنر ایران می نویسد: «نمونه سفال های ایران باستان در نوع خود به نهایت زیبایی رسیده و در عین سادگی بسیار صریح نقش شده اند». (پوپ، ۱۳۸۴، ۹)

بهره مندی از اشکال و قواعد بصری و آرایش آن در جهت خلق اثری زیبا در نقوش سفالینه های ایران باستان، از دیگر معیارهای مشابهی است که می توان در مقایسه و بررسی جنبه های فنی جنبش آپ آرت به آن اشاره کرد. آن چه مسلم است علاقه به پژوهش های بصری در شکل گیری آثار هنرمندان آپ آرت نقش به سزایی داشته است. بهره گیری از شیوه ها و تدابیر گوناگون برای ایجاد تأثیری مهیج و آنی در چهار چوب سازمان بصری و انتزاعی، از اجزای ضروری نقاشان آپ آرت است. در واقع هنرمندان این جنبش به شکلی از هنر روی آوردند که بیش ترین تاکید را بر تأثیرات بصری و جنبه های حسی داشت.



تصویر ۲- سفال شهر سوخته، ۵۰۰۰ ق م، مــــاخذ : [www.archaeology.ac.ir](http://www.archaeology.ac.ir)

پدیده ها و تجربیات متفاوتی مواجه می سازد و به شکلی ناخود آگاه، ذهن و نگاه او را به ساختاری انتزاعی، هندسی و ریاضی گونه سوق می دهد. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۳۲)

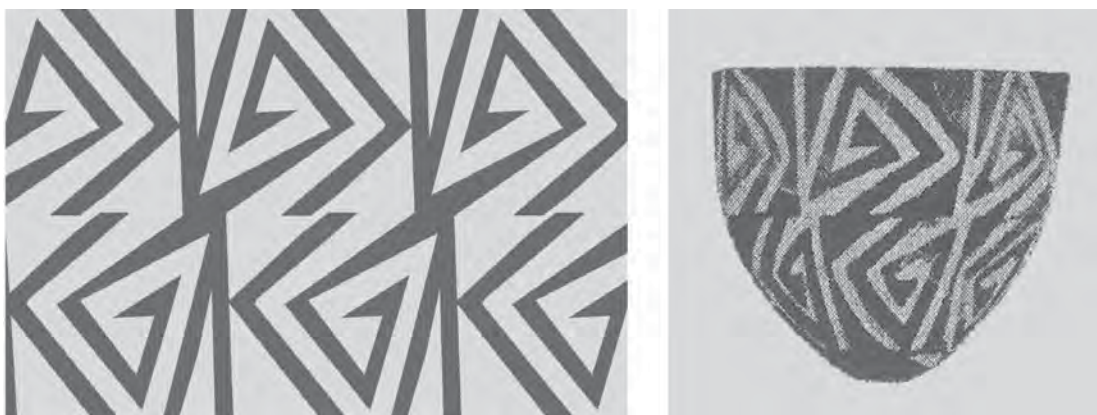
در این میان نقوش سفالینه های ایران باستان نمونه مناسبی است از این تحول که با شکلی متفاوت از شیوه های طبیعت گرایانه ظاهر می گردد. انسان عهد نوسنگی در سایه اندیشه و تفسیر، نقوش تجریدی را در برابر واقعیت تجربی قرار می دهد و از نقش حقیقی و انعکاس آن عدول می کند و با کلیشه سازی و ساده سازی محیط، پاسخی برای ذهن پرسشگر خود می یابد. پیدایش تفکرات انتزاعی، گرایش به ناب گرایی و انعکاس آن در آثار هنرمندان ایران باستان، تشابه این نقوش هزاران ساله را به آثار هنرمندان آپ آرت نزدیک و مرتبط می کند.

در بررسی هنر معاصر اصطلاح انتزاع به معنی چیزی جدا شده از طبیعت همواره موضوع مورد بحث بوده است. به طور تقریبی هنرمندان از اواسط سده نوزدهم به بعد آگاهانه یا ناآگاهانه، در جهت پی ریزی تصویری از نقاشی به عنوان یک پدیده فی نفسه مستقل و نه صرفاً تقلیدی گام برداشته اند. واسیلی کاندینسکی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از بنیان گذاران عرصه انتزاع، گام های بزرگی را در روند استقلال نقاشی از موضوعات واقعی برداشت. او در کتاب معروف خود به نام «معنویت در هنر» شدیداً به مقوله انتزاع و توجه به شکل های ساده شده هندسی و جدا سازی هنر از دنیای عینی و کشف یک موضوع ذهنی جدید که تنها بر نیاز درونی هنرمند متکی باشد تاکید دارد. (کاندینسکی، ۱۳۸۷، ۱۴)

هنرمندان آپ آرت نیز در باز آفرینی اندیشه خود، آثار و تجربه های وسیعی را در قالب شکل های انتزاعی و ساختاری ریاضی گونه هندسی انجام دادند. بهره مندی از انواع تدبیرهای بصری به غیره گرایش به ساده سازی و استفاده از اشکال ناب هندسی در مقولاتی منظم از عمده نکات آثار این هنرمندان است. آن چنان که جاسپار رایچارت<sup>۲</sup> می نویسد: «آپ آرت هنری انتزاعی، اساساً فرم گرایانه و بسیار دقیق است و آن را می توان صورت تعمیم

1- Wassily Kandinsky  
2- Jasyar Richtt  
3- Bridget Riley  
4- Victor Vasarely  
5- Arthur Upham Pope





تصویر ۳- سفال تل باکون، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۳۶۱

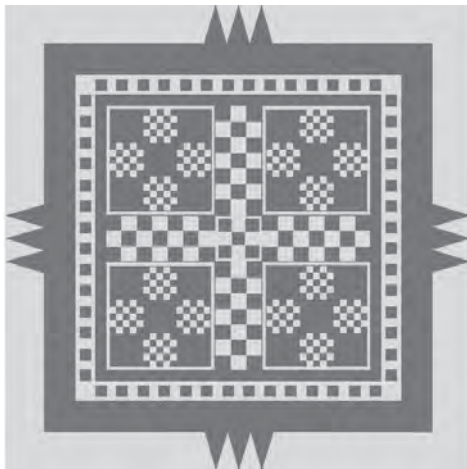
و نیاز به بازنگری ضروری می نماید. استفاده از روش های گوناگون برای ایجاد تصور حرکت و دگرذیسی در قالب اشکال انتزاعی یکی از مهم ترین توجهات هنرمندان آپ آرت است. بهره گیری از ریتم های تکرار شونده، استفاده از اشکال هندسی مربع، مثلث، چند وجهی، مستطیل و دایره گاهی با نمای روبه رو و گاه به صورت یکبری، به کارگیری رنگ های درخشان بر زمینه های متضاد همگی از جمله روش هایی است که هنرمندان آپ آرت در القای حس حرکت، عمق، و به عبارتی ایجاد خطای باصره به کار می بندند. (گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۸) با توجه به اهمیت آن چه گفته شد، به کارگیری همین تمهیدات در آثار گذشتگان نیز قابل بررسی است. خطای بصری، به نحوی از همان نخستین روزهای پیدایش هنر نقاشی در قالب نقاشی های غارها توجه نقاشان را به خود جلب کرد. ترسیم پیکره ها و حیوانات شکار بر دیوار غارها با در نظر گرفتن برجسته گی ها و فرورفته گی های سطوح انجام می گرفت، به طوری که قسمت های حجیم و برآمده حیوان در بخش های برجسته دیوار نقش می شد تا به درک و تجسم واقعی حیوان کمک کند. از طرفی دیگر بدن حیوانات ترسیم شده بسیار کشیده و اغراق آمیز به نظر می رسد که این موضوع خود تمهیدی بود به منظور بیان و القای حس حرکت. (هاورز، ۱۳۶۲، ۵۸۶)

آثار آپ آرت اصولاً موضوع مناسبی برای کاوش های عقلی و فکری نیستند. قوت این آثار معمولاً در تاثیرات حسی شدیدی است که بر جای می نهند. بررسی این آثار نشان می دهند شیوه و بهره گیری مناسب از اشکال و عناصر بصری عملاً به موضوع اثر مبدل می شود و می توان تاثیرات ناشی از این عناصر را تنها محتوای اثر به شمار آورد. ویکتور وازارلی، که عمرش را یکسره وقف هنرهای بصری و نظریه های مربوط به ادراکات حسی کرده است، در خلق آثارش به تجربه نقش های موج دار، ضرب آهنگ های سخته دار، شکل های مکرر هندسی، جذابیت خطوط موزون، تغییرات ساختاری و جنبش نمایی های بصری می پردازد. او در تاثیر این عناصر می کوشد تا با ایجاد واکنش های بصری، ادراک بیننده را برهم زند و نوعی احساس لذت را در او بیدار سازد. (گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۷)

وجود همین ویژگی و غلبه جنبه دکوراتیو و لذت بصری آثار او سبب تکثیر، چاپ و انتشار آن ها در سراسر دنیا شده است. از سویی دیگر نکته اساسی در آثار هنرمندان جنبش آپ آرت بهره گیری از جلوه های جادویی، حاصل از رنگ ها و عناصر بصری، در جهت ایجاد توهمی از حرکت و عمق است. در این توهم فرایند طبیعی و متعارف دیدن، اغلب از طریق ایجاد تغییر در ساختار عناصر بصری و رنگ های موجود در اثر، در معرض تردید قرار می گیرد



تصویر ۴- برجیت رایلی، ۱۹۶۱، ماخذ: wikipedia.org/opart



تصویر ۵- سفال سیلک، ۱۵۰۰ ق.م ماخذ: کامبخش فرد، ۹۵

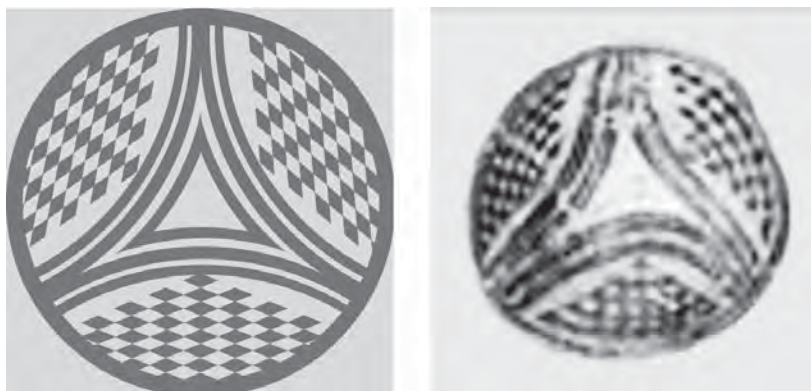
باستان به آن توجه داشته و در به کارگیری حس حرکت، بعد و توهمات بصری در نقش سفالینه ها به کار بسته اند. اگر چه در این مقایسه باید اشاره کرد هنرمندان آپ آرت به منظور دستیابی هر چه بیش تر به جنبه های گوناگون خطای باصره، تحقیقات وسیعی را درباره ارزش ها، نسبت ها و تاثیرات متقابل رنگ ها انجام دادند که توجه به این امر شاید، به دلیل محدودیت سطح و فضای سفال ها در آثار هنرمندان ایران باستان کم تر دیده می شود. بررسی روند هنری آپ آرت در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ علاوه بر شاخص ها و تجلیات هندسی و انتزاعی، رویکرد های اجتماعی دیگری نیز به همراه داشت. به طوری که آثار این هنرمندان به دلیل کاربرد مناسب و چند منظوره خود به طور گسترده در سطح جهان منتشر شدند و در مراکز مختلف از جمله آموزشگاه ها، فروشگاه ها، موزه ها و اماکن عمومی مورد استقبال فراوان قرار گرفتند. به یقین دلایل این حضور را می توان در افکار و عقاید هنرمندان این جنبش جست و جو کرد. آن جا که وازارلی می گوشت از نقاشی به عنوان یک حرکت انفرادی و امضای هنرمند منزوی دست بردارد و بر این باور است: « که آثار هنری باید در اختیار همه قرار گیرد و از منحصر بودن چشم

با ورود به دوران نوسنگی و اختراع سفال، توجه هنرمندان ایران باستان به موضوع حرکت و ثبت آن در نقوش سفالینه ها همچنان تداوم یافت، به طوری که اکتشافات اخیر باستان شناسان در شهر سوخته واقع در سیستان و بلوچستان، خبر از کشف سفال انیمیشن<sup>۱</sup> با قدمت ۵۰۰۰ ق.م می دهد. این سفال تصویر بز کوهی، نماد ایران باستان است که برای چیدن گیاه مقدس هوم جست و خیز می کند و تداوم این حرکت را می توان به طور پیوسته به دور سفال مشاهده کرد. (تصویر ۲)

تجسم حرکت، در نقوش هندسی سفالینه های ایران باستان نیز قابل جست و جو است. آن جا که هنرمند باستان با پدیده های متحرک طبیعت نظیر حیوانات، باد، رعد و برق و حرکت خروشان رودخانه ها مواجه می شود، از کیفیت عناصر بصری بهره می گیرد، و خطوط و اشکال هندسی را در پیش های موزون، زیگزاگ و موج در قالب ریتم های پیوسته و هماهنگ به کار می بندد. او نظیر همین تاثیرات را در القای شکل های دور و نزدیک نیز به کار می گیرد، تغییر در انحنا و ضخامت خطوط، بزرگی اشکال هندسی در سطوح جلوتر و ترسیم تقسیمات کوچک تر در انتهای ظروف سفالی، جملگی روش هایی است که هنرمندان عهد







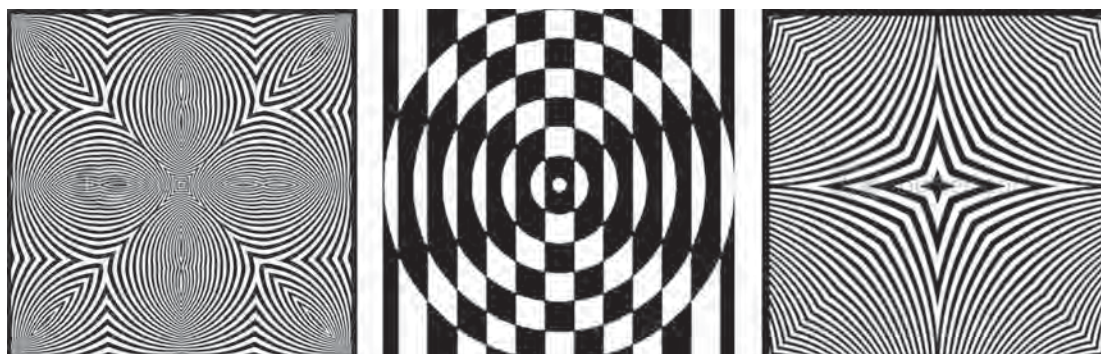
تصویر ۷- سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۲۱

به طوری که مطالعات نشان می دهد، تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شهرهای مختلف باستان در پیدایش و تحولات سفال نقش موثری داشته است. به آن معنی که مهم ترین دوران تولید سفال در هر شهر هم زمان با پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی آن شهر بوده است. بررسی ها نشان می دهد، سفال های منقوش ایرانی در مرحله ای از تاریخ به صورت کالایی تجاری برای داد و ستد بین جوامع اولیه رواج داشته است. (توحید، ۱۳۸۲، ۱۲)

با توجه به همین موضوع و با در نظر گرفتن عرصه تولید در ساخت سفال، به یقین هنرمند باستان نیز در شیوه نقش اندازی خود بر روی سفال ها تحولی عمده ایجاد کرده است. به طور مسلم ترسیم نقوش، با پرداختی دقیق و نگاهی واقع گرایانه و صرف وقت زیاد نمی توانسته پاسخ گوی تحول جدید در زمینه تولید باشد. او نیز برای آن که اثرش به طور وسیع تری در دسترس همگان قرار گیرد روش های دیگری را برمی گزیند، جست و جوی مضامین تازه، انتخاب شکل ها و نقش های گویاتر با قابلیت تکثیر و انتقال، آفرینش

بپوشد». در واقع تلاشی برای دستیابی به همین منظور است. هنرمند و نظریه پردازان جنبش آپ آرت معتقدند هنر در جامعه صنعتی امروز باید زمینه ای اجتماعی داشته باشد. (گودرزی، ۱۳۸۱، ۵۲۹)

اثر هنری، اندیشه نومایه هنرمند است نه شیئی متشکل از رنگ و بوم، این اندیشه پس از آن که در قالب شکل های هندسی و انتزاعی با سازماندهی ریاضی و رنگ های استاندارد شده بیان شد می تواند پخش و بازآفرینی شود و به شکل های گوناگون تکثیر شود. آنان به جای اصطلاح سنتی اثر هنری به عنوان شیئی خاص اصطلاح هنر اجتماعی را می نشانند، که منظورش هنری است که به دست هنرمندی تماما مسلط بر اسلوب های ارتباطات صنعتی نوین، برای توده عظیمی از تماشاگران آفریده می شود. بروز این اندیشه و رویکرد آن در خلق آثاری که بتواند از چهار چوب محدود خود خارج شود و قابلیت بازآفرینی و تکثیر یابد و به شکل وسیع تری در اختیار همگان قرار گیرد، (هاروارد، ۱۳۷۴، ۵۸۷) در تفکر جوامع باستان نیز قابل مشاهده و بررسی است.



تصویر ۸- 2001، Jim Isermann، ماخذ : [wioedia.org/opart](http://wioedia.org/opart)



تصویر ۹- سفال سیلک، ۱۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۸۶

که نتایج آن، مشابهت زیادی با آثار هنرمندان معاصر آپ آرت دارد.

### بررسی و مقایسه آثار هنرمندان ایران باستان و هنرمندان شیوه آپ آرت

با توجه به آن چه در بررسی علل و انگیزه های مشترک و متفاوت در بین هنرمندان ایران باستان و شیوه آپ آرت گفته شد، اینک در این بخش به مقایسه برخی از نقوش سفالینه های ایران باستان با آثار هنرمندان شیوه آپ آرت می پردازیم.

تصویر ۳ مربوط به سفالی است با نقش هندسی، از منطقه تل باکون واقع در جنوب غربی تخت جمشید. ویژگی نقش، استفاده از شکل مارپیچ با بهره گیری از خطوط زاویه دار و شکسته و تکرار آن به صورت متناوب در دو ردیف منظم پیرامون سفال است. نقش در ردیف بالا به

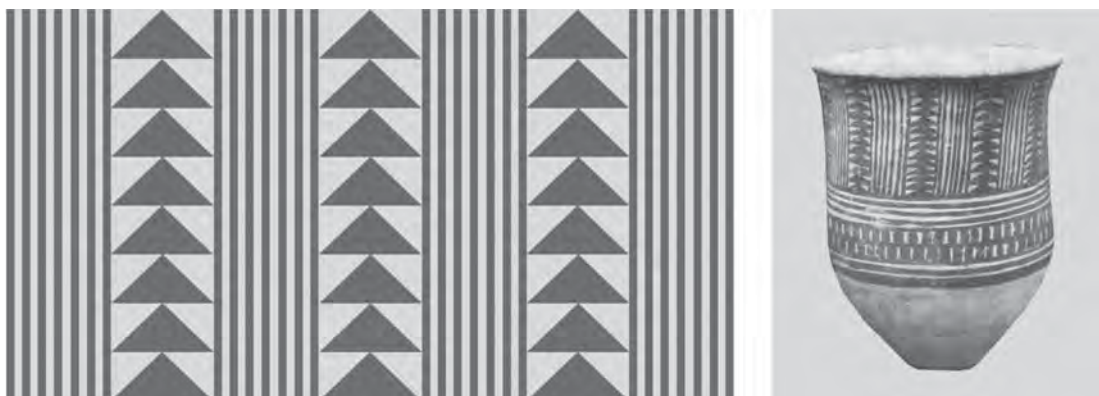
آثاری خلاق و زیبا با بیانی حساس تر و عمیق تر، همه از جمله مواردی است که هنرمند باستان در تحول جدید به آن توجه دارد. او نیز در تشابه نزدیک با هنرمندان معاصر آپ آرت، مضامین و اندیشه های خود را در قالب شکل های هندسی و انتزاعی با ترکیبی ریاضی گونه سامان می بخشد تا بتواند هر چه بهتر آثار خود را تکثیر و بازآفرینی کند.

به طور یقین آن چه در مقایسه نقوش سفالینه های ایران باستان به صورت جداگانه مورد بحث قرار گرفت، هیچگاه به تنهایی هدف و مقصود هنرمندان باستان نبوده است. در واقع می توان بیان نیازهای ذهنی، انتقال آمال، آرزوها و پیام ها را از جمله دغدغه های اصلی این هنرمندان دانست. توجه به معیارها و ساختارهای زیبا شناسی که از فطرت زیبا دوست انسان سرچشمه می گیرد، تنها به عنوان بخشی از این عوامل سبب خلق آثاری تامل برانگیز گشته



تصویر ۱۰- Kelly Karl, 2000-۱۰. ماخذ: [wikioedia.org/opart](http://wikioedia.org/opart)





تصویر ۱۱- سفال سیلک، ۳۰۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۸۶



تصویر ۱۲- برجیت رابلی، ۱۹۶۵، Boggeri, 1992. ماخذ: [wikipedia.org/opart](http://wikipedia.org/opart)

قاب نیز توجه و نگاه بیننده را به مرکز نقش معطوف می سازد. در تصویر ۶، آثار هنرمندان آپ آرت ارائه گردیده است که به طور مشخص چه از جهت نوع برقراری ارتباط بین نقوش و چه به دلیل ایجاد توهمی از جا به جایی و حرکت در ترکیب نقش ها تشابه نزدیکی با آثار هنرمندان باستان دارد.

تصویر ۷، سفالی از منطقه شوش واقع در جنوب ایران را نشان می دهد. نقش این سفال بر روی ظرف مدوری تنظیم گشته که از مرکز آن به سه وجه مساوی تقسیم شده است. در هر وجه شبکه ای از لوزی های متصل به هم وجود دارد که در کنار هم مثلثی ایجاد می کند که راس آن به نقطه مرکزی ظرف هدایت می شود.

در قسمتی دیگر و از محل تقسیم سه وجه دایره سه منحنی با قوس های متمایل به داخل ترسیم گشته است که از اتصال این قوس ها سه مثلث دیگر با اضلاع رو به داخل ایجاد کرده است که هر چه به مرکز دایره نزدیک تر می شوند،

دلیل قرارگیری زاویه مارییچ، نوعی حس حرکت و چرخش رو به جلو دارد. به طوری که تدوام همین حرکت در ردیف پایین، با تغییر در زاویه مارییچ حرکت معکوس راست به چپ را تداعی می کند و وجود همین موضوع سبب هدایت نگاه بیننده به اطراف سفال می گردد.

بیان همین ویژگی را می توان در آثار هنرمندان آپ آرت مشاهده کرد. (تصویر ۴) این آثار نیز با استفاده از خطوط زاویه دار و شکسته و تکرار آن، حول مرکز داخلی سبب ایجاد حس حرکت و چرخش نگاه در سطح اثر گشته اند و به نوعی احساس مشترکی را تداعی می کنند.

تصویر ۵، سفالی از منطقه سیلک واقع در شرق چشمه فین کاشان است. از ویژگی های نقش این سفال می توان به ایجاد تقسیمات هندسی متنوع در قالبی مشخص اشاره کرد. نقش در قالبی مربع به صورت قرینه، از محور عمودی و افقی خود به چهار قسمت مساوی تقسیم شده و هر قسمت نیز با تکرار مربع های کوچک تر ترکیبی را ایجاد می نماید که تصویری از عمق را در ذهن بیننده مجسم می سازد. بیان همین ویژگی، در ترکیب بندی کلی اثر نیز حاکم است به طوری که با قرارگیری چهار وجه جانبی در کنار هم و ارتباط آن ها به وسیله شبکه ای از مربع های بزرگ تر، این تصور ذهنی دوباره تکرار می شود. وجود مثلث های کناری



تصویر ۱۳- سفال سیلک، ۳۰۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۹۱



تصویر ۱۴- Kelly Karl، ۲۰۰۱، مآخذ: [wikioedia.org/opart](http://wikioedia.org/opart)



تصویر ۱۵- سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، مآخذ: کامبخش فرد، ۱۲۱

بسته، ترکیبی است از خطوط موازی به شکل عمودی و مثلث‌هایی هم اندازه که بر روی هم چیده شده‌اند. وجود خطوط عمودی به موازات هم و ترکیب مثلث‌های متساوی الضلاع که در راس خود بر روی هم منطبق گشته‌اند، تأکیدی است که نگاه بیننده را به سمت بالا حرکت می‌دهد. این ویژگی با تکرار مناسب نقش‌ها در کنار هم تقویت می‌شود و ظرف سفالی را در نظر بیننده بلندتر می‌نماید. تداعی حس حرکت با ترکیب شکل‌های هندسی از جمله مواردی است که هنرمندان آپ آرت در آثار خود بسیار به آن پرداخته‌اند. در تصویر ۱۲، نمونه‌ای از این آثار دیده می‌شود که به دلیل ترکیب و نوع اجراء مشابهت بسیاری با نقوش باستانی دارند.

تصویر ۱۳، سفالی از منطقه سیلک کاشان است. ویژگی‌های نقش این سفال تکرار مثلث‌هایی است که به دور سفال کشیده شده‌اند. این مثلث‌ها که در دو ردیف و از راس خود به شکل وارونه در مقابل هم قرار دارند، نگاه بیننده را در دو جهت بالا و پایین سفال به حرکت در می‌آورند. سطح مثلث‌ها با شبکه‌ای از خطوط متقاطع پوشانده شده که با توجه به حساسیت خاصی که به آن‌ها بخشیده باعث شده سطح آن‌ها سبک‌تر به نظر برسد و چرخش نگاه در فواصل شان راحت‌تر صورت پذیرد. همچنین انحنایی که در اضلاع مثلث‌ها مشاهده می‌شود در عین لطافت، در حرکت و جا به جایی دید بسیار موثر است. بهره‌مندی از همین الگوها در اصول و مبانی آثار هنرمندان

کوچک‌تر می‌گردند. در مجموع، کل نقش با توجه به طرح دایره‌ای شکل آن به نحوی ترکیب یافته است که نگاه بیننده را از پیرامون آن به داخل هدایت می‌کند و نوعی عمق نمایی را در مرکز اثر به وجود می‌آورد. ایجاد همین تصور را می‌توان از تکرار و جابه‌جایی شکل‌های هندسی و بهره‌گیری از خطای باصره در ترکیب بندی‌ها و آثار هنرمندان آپ آرت در مشاهده کرد. (تصویر ۸)

تصویر ۹، مربوط به سفالی با نقش هندسی از منطقه سیلک کاشان است. این نقش ترکیبی دایره‌ای شکل دارد که از حرکت شش مثلث متساوی الساقین به مرکز آن تشکیل شده است. در فواصل این مثلث‌ها شش مثلث کوچک‌تر نیز قرار گرفته‌اند که در مجموع به مرکز نقش که شکلی دایره‌وار دارد منتهی می‌شوند. بر روی سطح مثلث‌های بزرگ‌تر خطوطی متقاطع که شبکه‌ای لوزی شکل را به وجود آورده‌اند، ترسیم شده است. راس این لوزی‌ها نیز حرکت به مرکز نقش را تقویت می‌کنند. ترکیب بندی کلی اثر بر نقطه مرکزی طرح تکیه دارد و بهره‌گیری از ویژگی‌های هندسی شکل‌ها و نحوه قرارگیری آن‌ها تصویری از عمق و برجسته‌نمایی را در ذهن القاء می‌کند. تصویر ۱۰، نمونه دیگری از آثار هنرمندان آپ آرت است که در قالب اشکال هندسی و با ترکیبی مشابه با نقوش باستانی ایران ترسیم شده است.

تصویر ۱۱، مربوط به سفالی از منطقه سیلک کاشان است. نقوش این سفال که با ریتمی متناوب به دور آن نقش





تصویر ۱۶ - Tofer Chin، 2001 ماخذ: [wikioedia.org/opart](http://wikioedia.org/opart)

شکسته را در محدوده نقش کنترل می سازد. در ترکیب بندی این اثر در کنار توجه به جنبه های تزئینی آن ، ریتم و آهنگی از حرکت را در ذهن بیننده ایجاد می کند که از جمله ترفندهای به کار گرفته شده در آثار هنرمندان آپ آرت است. تصویر ۱۸ نمونه ای از این آثار را نشان می دهد و با توجه به ریتم و آهنگی که از تکرار خطوط می آفریند، نگاه بیننده را به آرامی در سطح اثر به ارتعاش و حرکت در می آورد.

تصویر ۱۹، سفالی از منطقه تل باکون واقع در جنوب غربی تخت جمشید است. طرح و نقش این سفال با استفاده از شکل های متنوع هندسی ترکیب یافته و در سمت بالا و پایین طرح، نقش لوزی در ترکیبی مثلثی شکل به موازات سطح اثر تکرار شده است. راس این مثلث ها در مرکز نقش بر هم منطبق می شود و از این طریق دید بیننده را در فضای بالا و پایین طرح به مرکز آن هدایت می کند. وجود خطوط کناری مثلث ها نیز در تقویت این حرکت موثر است. در سطح میانی و در فضای خالی مثلث ها خطوطی دیگر دیده می شود که با شیب ملایم دوباره از مرکز نقش نگاه را به پیرامون آن بر می گرداند. به کار گیری این تمهیدات، سطح اثر را دچار نوسان می کند و دید مخاطب را در دو جهت داخل و بیرون نقش حرکت می دهد. تصویر ۲۰ آثاری از هنرمندان آپ آرت را نشان می دهد که با استفاده از ترکیب و تکرار شکل های مثلثی در جهت های متفاوت توهمی از حرکت را مطابق آن چه در نقوش ایران باستان

آپ آرت استفاده فراوان دارد و نمونه هایی از آن را می توان در تصویر ۱۴ مشاهده کرد.

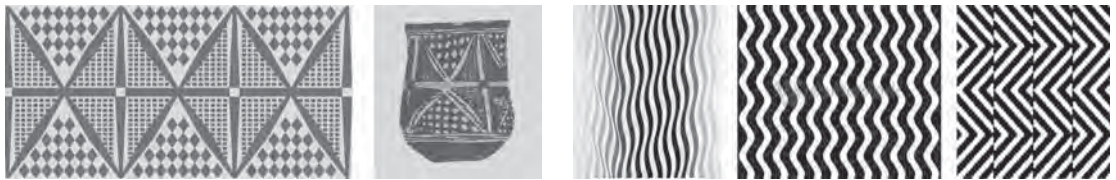
تصویر ۱۵ مربوط به سفالی از منطقه شوش است. نقش این سفال ترکیبی دایره ای شکل دارد که از مرکز آن به سه وجه مساوی تقسیم شده است. در هر وجه سه حلقه کوچک تر قرار دارد که در مرکز دایره اصلی به هم متصل شده و احساسی از تمرکز و برجستگی سطح را در ذهن بیننده ایجاد می کند. این واکنش با قرار گرفتن سه مثلث دیگر که راس آن ها در فواصل این دوایر قرار دارد تقویت می شود. همچنین ریتم خطوطی که در داخل هر دایره قرار گرفته بار دیگر حرکت نگاه را به مرکز نقش هدایت می کند. استفاده از ترکیبات و تقسیمات دایره جهت ایجاد خطای باصره و القای توهمی از بعد در بسیاری از آثار هنرمندان آپ آرت قابل مشاهده است. تصویر ۱۶، نمونه ای از این آثار است.

تصویر ۱۷، سفالی از منطقه شوش را نشان می دهد. نقش این سفال ترکیبی است از خطوط شکسته عمودی با زاویه ای ملایم، که در کنار هم و در جهت افقی نقش تکرار شده اند. زوایای شکسته و راس این خطوط گاه نگاه را به بیرون نقش و بار دیگر به داخل می کشاند، از این رو دید بیننده در دو جهت طرح در نوسان است. در فواصل این خطوط مثلث هایی قرار دارد که از راس خود به صورت افقی بر هم منطبق شده اند. نحوه قرار گرفتن این مثلث ها توجه را به داخل متمرکز نموده و از این طریق ریتم و حرکت خطوط



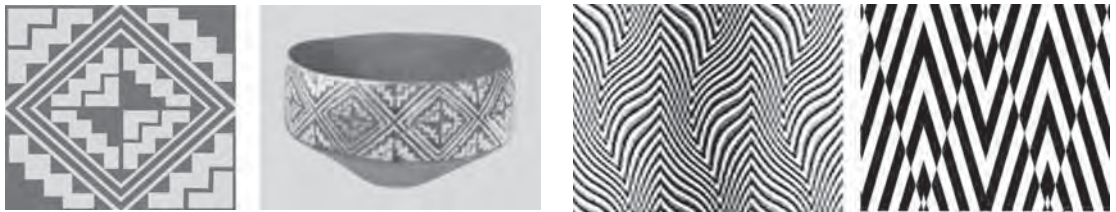
تصویر ۱۷ - سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۲۲





تصویر ۱۹- سفال تل باکون، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۲۱

تصویر ۱۸- Boggeri، 1996، برجیت رایلی، ۱۹۶۳.



تصویر ۲۱- سفال شوش، ۳۵۰۰ ق.م، ماخذ: wikoedia.org

تصویر ۲۰- Jim Isermann، 1997، برجیت رایلی، ۱۹۶۵، ماخذ: wikoedia.org/opart



تصویر ۲۲- Tofer Chin، 1994، ماخذ: wikoedia.org/opart

جدول ۱- تطبیق عوامل و انگیزه های مشترک بین هنرمندان ایران باستان و شیوه آپ آرت

عوامل مشترک	عوامل مورد بررسی در نقوش سفالینه های ایران باستان	عوامل مورد بررسی در شیوه آپ آرت
۱ گرایش به انتزاع	پیدایش تمایلات و تکررات انتزاعی، گرایش به ناب گرایی دو قالب شکل ها و ترکیبات متنوع هندسی.	بهره مندی از انواع ندیر های بصری به ویژه گرایش به ساده سازی ها و استفاده از اشکال ناب هندسی در سازماندهی منظم.
۲ شیوه مواجهه و برداشت هنرمندان از طبیعت	بهره گیری از محیط و طبیعت پیرامون با توجه به مفهوم و جوهر درونی بلوده ها.	تأثیر پذیری از عناصر و نیرو های طبیعت در قالب اشکال انتزاعی، بدون تاکید بر منظره سازی.
۳ توجه به کیفیات بصری در آفرینش اثر هنری	نحوه نمایش عناصر و کیفیات های بصری، توجه به معیار های زیبا شناسی در قالب نقوش و تزیینات سفالینه ها.	علاقه به پژوهش های بصری، بهره گیری از شیوه ها و تدابیر گوناگون برای ایجاد تأثیری مهیج، ریبا و لذت بخش در چهار چوب سازماندهی بصری و انتزاعی.
۴ توجه به قابلیت عناصر بصری در ایجاد بعد و حرکت	توجه هنرمندان ایران باستان به موضوع حرکت و القای بعد و عمق در قالب خطوط، رنم های پیوسته و هماهنگ و ایجاد تغییر در انحا و ضخامت اشکال در نقوش سفالینه ها.	استفاده از روش های گوناگون برای ایجاد خطای باصبره القای حرکت و عمق در قالب اشکال هندسی و انتزاعی.
۵ توجه به اصل قابلیت تکثیر	جستجوی مضامین تازه و انتخاب نقش های گویا در قالب شکل ها و ترکیبات هندسی جهت سهولت و تکثیر و بار آفرینی آن در عرصه تولید سفال.	توجه به زمینه های اجتماعی هنر و سازماندهی آثار در قالب شکل های هندسی و انتزاعی، به طوری که بتوان آن ها را تکثیر و بار آفرینی کرد و در اختیار همه گان قرار داد.

ویژگی‌های نقوش سفالینه‌های باستان	ویژگی‌های آثار هنرمندان آپ آرت
استفاده از طرح‌های هندسی برگرفته از سبدها یا شامل مثلث‌ها، لوزی‌ها، مربع‌های شطرنجی و دایره‌ها ...	گرایش به ساده‌سازی‌ها و استفاده از عناصر بصری در قالب اشکال تخت هندسی نظیر مربع، مثلث، مستطیل، چندوجهی و دایره در زوایای مختلف.
شکل‌ها و نمادهای هندسی، با بهره‌گیری از جوهر درونی اشیاء که حاوی پیامهای زیست‌محیطی هستند.	انتخاب عناصری که به عنوان بخشی از طبیعت وجود دارند عناصر تشکیل‌دهنده بگ منظره، درخت‌ها، رودخانه‌ها و حیوانات در قالب اشکال انتزاعی و هندسی بدون تأکید بر منظره‌سازی.
ایجاد هماهنگی و ارتباط بین نقوش و شکل سفالینه‌ها با بهره‌گیری از اشکال و کیفیت‌های بصری در ترکیب و تزیین زیبا و لذت بخش.	ایجاد ساختاری زیبا و هماهنگ با استفاده از اشکال و عناصر انتزاعی در جهت ایجاد لذت بصری.
ایجاد جنبش‌نمایی بصری و القای تصور حرکت در مواجهه با پدیده‌های منحرک طبیعت، با استفاده از خطوط و اشکال هندسی پیچش‌های موزون، زیگزاگ‌های موج در قالب رشم‌های هماهنگ.	بهره‌گیری از شیوه‌ها و تدابیر گوناگون برای ایجاد تصور حرکت و دگرگونی در قالب نقش‌های موجدار، ضرب‌آهنگ‌های سکه‌دار، شکل‌های مکرر هندسی و جذابیت خطوط موزون.

مشاهده می‌شود، ایجاد نموده است. تصویر ۲۱ مربوط به سفالی از منطقه شوش است. از جمله ویژگی‌های این نقش برقراری ارتباطی است که بین نقوش و بخش‌های آن حاصل آمده است. ریتم و حرکت پله‌ای نقش‌ها و جایگزینی مناسب آن‌ها در فضا‌های پر و خالی، ترکیبی پویا و متنوع به اثر بخشیده، به طوری که بیننده را گام به گام به مرکز اثر نزدیک می‌گرداند. تکرار خطوط لوزی در

قطرهای اصلی، این توجه را تقویت می‌کند و بر زیبایی و تنوع نقش می‌افزاید. سطح سفال از تکرار همین ترکیب در امتداد سطح افقی آن کامل می‌شود و علاوه بر ایجاد نقشی هماهنگ توجه مخاطب را نیز به دور سفال هدایت می‌کند. استفاده از ترکیبات متمرکز که نگاه مخاطب را به درون خود می‌کشاند و توهمی از عمق را در ذهن او ایجاد می‌کند، در آثار هنرمندان آپ آرت کاربرد فراوان دارد. (تصویر ۲۲)

## نتیجه

آن‌چه در این پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، در حقیقت تأکیدی است بر اهمیت و ضرورت شناخت ما از فرهنگ، اندیشه و هنر گذشتگان و دست‌یابی به ارزش‌ها و معیارهای موجود در آثار آن‌ها است. به این منظور تحقیق پیش‌رو می‌کوشد، با بررسی و مقایسه نقوش سفالینه‌های ایران باستان، با آثار هنرمندان آپ آرت تنها به بخش کوچکی از این پیشینه هنری ارزشمند اشاره کند. در انجام این تحقیق با مطالعه در تاریخچه سفالگری ایران باستان مشخص شد، چگونه تحولات اقتصادی و اجتماعی در جوامع باستان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید و ساخت سفال به عنوان کالایی برای داد و ستد دارد. در این تحول نقوش سفالینه‌های ایران باستان به عنوان وسیله و ابزاری جدید در جهت بیان نیازها، خواسته‌ها و ثبت پیام‌ها و وظیفه انتقال مفاهیم، اندیشه‌ها و عقاید مردم باستان را در قالب نقوش و علائم نمادین بر عهده می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد گرایش به جست‌وجوی مضامین تازه، پدید آوردن روش‌های فنی بهتر و آفرینش نقوشی خلاق در عرصه سفالگری ایران باستان به نوعی بیان تصویری ساده و انتزاعی می‌رسد که آثار بسیاری از نقاشان معاصر به ویژه



هنرمندان شیوه آپ آرت را به آن‌ها نزدیک می‌کند. گرایشی که در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تحت عنوان نقاشی بصری به دنبال دست‌یابی به ادراکات حسی ناب، تأثیرات دیداری و ایجاد خطاهای بصری از طریق سازمان‌دهی اشکال انتزاعی در سطح اثر بود. دلایل این تشابه را می‌توان به طور مختصر در بهره‌گیری از انواع تدابیر بصری به ویژه گرایش به ساده‌سازی و استفاده از اشکال ناب هندسی، تأثیرپذیری از طبیعت با توجه به مفهوم و جوهر درونی پدیده‌ها، معیارهای زیباشناسی و ایجاد تأثیری لذت‌بخش در قالب ترکیبات بصری، استفاده از روش‌های گوناگون جهت القای حرکت و عمق در قالب اشکال انتزاعی و نیز انتخاب نقش‌هایی گویا و متناسب جهت سهولت در تکثیر و بازآفرینی در عرصه تولید دانست.

### منابع و ماخذ

- پوپ، آرتور آپهام، شاهکارهای هنر ایران، مترجم پرویز ناتل خانلری، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.
- توحید، فائق، فن و هنر سفالگری، چاپ دوم، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۲.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، سفال و سفالگری در ایران، چاپ اول، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۰.
- کاندینسکی، واسیلی، معنویت در هنر، مترجم اعظم نوراله خانی، چاپ چهارم، انتشارات اسرار دانش، تهران ۱۳۸۷.
- گودرزی، مرتضی، هنر مدرن، چاپ اول، موسسه چاپ سوره، تهران، ۱۳۸۱.
- هاروارد آرناس، یورواردو، تاریخ هنر نوین، مترجم محمد تقی فرامرزی، چاپ دوم، انتشارات زرین-نگاه، تهران، ۱۳۷۴.
- هاوزر، آرنولد، تاریخ اجتماعی هنر، جلد اول، مترجم امین موید، چاپ اول، انتشارات چاپخش، تهران ۱۳۶۲.
- عبدالهیان، بهناز، بررسی مفاهیم و نمادهای مهر و ماه نقش بسته بر سفالینه‌های پیش از تاریخ اسلام، فصلنامه هنر، دوره اول، شماره صفر، ۱۳۷۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی